



فرمان ملا هبت الله
پاکستان را نجات خواهد
داد؟

۴

صبح ۸

سال هفدهم
شماره ۳۹۶۹
دوشنبه
۲۳ اسد ۱۴۰۲
۱۴ اگست ۲۰۲۳

روایت دیروز آئینه امروز نوید فردا

دوسال حاکمیت طالبان؛

بازداشت و سرکوب خبرنگاران همچنان ادامه دارد



با گذشت دو سال از حاکمیت طالبان بر افغانستان، بازداشت، خشونت، سرکوب خبرنگاران و سانسور شدید علیه رسانه‌ها در کشور همچنان ادامه دارد. شماری از نهادهای پستی بان رسانه‌ها با نشر اعلامیه‌هایی، از ادامه بازداشت‌ها و وضع محدودیت‌های شدید بر رسانه‌ها و خبرنگاران نگرانی کرده و گفته‌اند که سردبیران و روزنامه‌نگاران در افغانستان تحت کنترل طالبان، «اگر می‌خواهند زنده بمانند»، باید از دستورات طالبان در خصوص رسانه‌ها پیروی کنند. به گفته آنان، دستورات طالبان در قبال رسانه‌ها، راه را برای استبداد و آزاروآذیت خبرنگاران و محدودسازی...

۵

گزارش رواداری؛

طالبان روزانه دست‌کم یک بار زندانیان را شکنجه می‌کنند



۳

طالبان در دوراهی انتخاب میان تی‌تی‌پی و پاکستان

۴

سی‌بی‌جی؛

وخیم‌تر شدن سرکوب رسانه‌ای، افغانستان را از سایر نقاط جهان منزوی می‌کند

اکنون در باتکلیفی قانونی بدون چشم‌انداز روشنی برای اسکان مجدد به کشور سوم گیر کرده‌اند. از سال ۲۰۲۱، افغان‌ها به یکی از بزرگ‌ترین سهم روزنامه‌نگاران تبعیدی تبدیل شده‌اند که هر ساله از حمایت اضطراری CPJ برخوردار می‌شوند. پیش از نیز، سازمان گزارشگران بدون مرز (RSF) با نشر گزارشی تازه‌ای در مورد وضعیت خبرنگاران و رسانه‌های افغانستان پس از تسلط دوباره طالبان بر کشور اعلام کرد که در دو سال اخیر رسانه‌های افغانستان با نابودی مواجه شده‌اند.

بربنیاد این گزارش، پس از روی کار آمدن طالبان ۱۲ هزار خبرنگار شغل خود را از دست داده‌اند. طالبان در این مدت، محدودیت‌های گسترده‌ای بر رسانه‌ها وضع کرده‌اند. براساس گزارش نهادها ناظر، این گروه شماری از خبرنگاران را بازداشت و شکنجه کرده‌اند.

همچنان شماری قابل ملاحظه‌ای از خبرنگاران در دو سال گذشته، با تنگ شدن فضای کار روزنامه‌نگاری افغانستان را ترک کرده‌اند.

گفته است که وخیم‌تر شدن سرکوب رسانه‌ای، افغانستان را از سایر نقاط جهان منزوی خواهد کرد. در اعلامیه به نقل از به لیه بی، هماهنگ‌کننده برنامه آسیایی کمیته حفاظت از خبرنگاران آمده است: «در زمانی که افغانستان با یکی از بزرگ‌ترین وضعیت‌های اضطراری بشردوستانه دست‌وپنجه نرم می‌کند، دسترسی به اطلاعات موثق و قابل اعتماد می‌تواند، به نجات جان و معیشت در یک بحران کمک کند، اما سرکوب فزاینده طالبان بر رسانه‌ها برعکس عمل می‌کند.»

او تأکید کرده است که علی‌رغم وعده نخست طالبان مبنی بر اجازه آزادی مطبوعات پس از به دست گرفتن قدرت، این گروه ده‌ها رسانه محلی را تعطیل کردند. وی اضافه کرده است که طالبان فعالیت برخی رسانه‌های بین‌المللی را نیز در افغانستان ممنوع کردند و به خبرنگاران خارجی ویژه نمی‌دهند.

در بخش دیگر اعلامیه همچنان آمده است: «در دو سال گذشته، صدها خبرنگار افغان به کشورهای همسایه مانند پاکستان و ایران فرار کردند و بسیاری از آن‌ها



۸صبح، کابل: کمیته حفاظت از خبرنگاران (CPJ) در آستانه دو ساله‌گی حاکمیت طالبان، از ادامه محدودیت‌ها و سرکوب خبرنگاران و رسانه‌های افغانستان از سوی طالبان نگرانی کرد. این سازمان با مداد دوشنبه، ۲۳ اسد، با نشر اعلامیه‌ای

درگیری میان دو خانواده در هلمند یک کشته و سه زخمی برجا گذاشت

۸صبح، هلمند: مسوولان محلی طالبان در هلمند می‌گویند که در نتیجه درگیری میان دو خانواده در این ولایت، یک تن جان باخته و سه تن دیگر زخمی شده‌اند.

قوماندانی امنیه طالبان در هلمند، روز یکشنبه، ۲۲ اسد، گفته که این درگیری شب گذشته پس از گفت‌وگوی لفظی میان این خانواده‌ها در منطقه بلاکنو ولسوالی مارچه رخ داده است.

زخمیان این رویداد جهت تداوی به شفاخانه ولایتی هلمند منتقل شده‌اند. در مورد هویت قربانیان این درگیری اطلاعی در دست نیست.

این در حالی است که با تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، وقوع جرایم جنایی در سطح کشور افزایش یافته است.

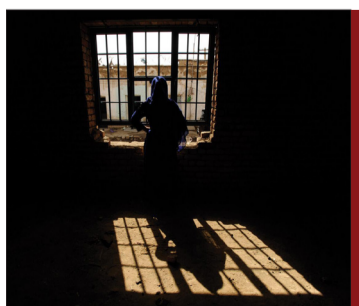
طالبان نصب پرچم‌شان را بر دیوار خانه‌ها و دکان‌ها در پکتیکا اجباری کردند



۸صبح، پکتیکا: در آستانه دو ساله‌گی به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان، منابع محلی در پکتیکا می‌گویند که این گروه نصب پرچم‌شان را در خانه‌ها و دکان‌های مرکز و ولسوالی‌های این ولایت اجباری کرده‌اند. منابع محلی از این ولایت به روزنامه ۸صبح می‌گویند که صبح روز یکشنبه، ۲۲ اسد، هیات مشترک از چندین ارگان نظامی و غیرنظامی این ولایت، در سطح شهر شرن و ولسوالی‌های پکتیکا به مردم ابلاغ کردند که تا روز سه‌شنبه هفته جاری هر صاحب‌خانه و دکاندار مکلف‌اند تا پرچم این گروه را بر در و دیوار خانه و دکان‌های شان نصب کنند.

از سویی هم، منابع از ولسوالی‌های این ولایت نیز تأیید کرده‌اند که نصب اجباری پرچم طالبان بر آنان تحمیل شده است. گفتنی است که وزارت کار و امور اجتماعی تحت مدیریت طالبان امروز با پخش خبرنامه‌ای، روز سه‌شنبه هفته جاری را به مناسبت دومین سالگرد برگشت این گروه به قدرت در سراسر افغانستان رخصتی عمومی اعلام کرده است. طالبان در حالی نصب پرچم‌شان را بر باشندگان پکتیکا تحمیل کرده‌اند که این پرچم هیچ نوع رسمیت در سطح بین‌المللی ندارد.

خانه خسر؛ از مرگ نوجوانی تا مرگ فرزند



باغ‌داران در سمنگان از کاهش بی‌پیشینه حاصلات بادام شاکی‌اند



۶ صفحه

۵ صفحه



افغانستان و رهبران نالایق

افغانستان در یکصدوپنجاه سال اخیر شاهد ظهور رهبری نبوده است که مورد قبول همه اقوام و جریان‌ها قرار بگیرد و زعامت وی در سطح ملی پذیرفته شود. تنها در دهه دموکراسی نشانه‌هایی خفیف از گشایشی اندک در این باب نمایان شده بود و احتمال می‌رفت که نهاد سلطنت، به رغم ایرادهایی که بر شاه وارد بود، بتواند مانند شماری از کشورهای باثبات، خلاء رهبری را پر کند و عامل حفظ توازن در اوضاع نامتوازن شود. آن امید اولیه با کودتای سردار داوود خان بر باد رفت و دوره‌ای از بی‌ثباتی شروع شد که تا امروز ادامه دارد. ایدیولوژی‌های چپ و راست آمدند و ادعا داشتند که از مرزهای قومیت و تبار می‌گذرند و جامعه را بر شیرازه‌ای دیگر بنا می‌کنند. در عمل، رهبران ایدیولوژی‌زده شکاف دیگری را پدید آوردند و شهروندان را براساس افکار و عقایدشان به چند جبهه متخاصم تقسیم و وارد نزاعی خونین کردند.

در دیگر کشورهای بحران‌زده که نیاز به نوزایی و تولد دوباره داشته‌اند، هرچند نقش عوامل منطقه‌ای و بین‌المللی نادیده گرفته نمی‌شود، اما نقش رهبران شایسته و فرهنگ در رهایی از بحران و رسیدن به ساحل امنیت و ثبات، بسیار مهم و بلکه کلیدی بوده است. رهبران برخوردار از لیاقت و کفایت در تاریخ‌ترین دوره‌های عمر یک ملت که همه امیدها به یاس بدل می‌شود، وارد صحنه می‌شوند و معادلات را دگرگون می‌کنند. آنان اتحاد، امید، انگیزه و حرکت می‌آفرینند و مردمی ازهم‌پاشیده و به ستوه آمده را جان و توان دوباره می‌بخشند. شماری از این دست شخصیت‌ها در یکی دو سده پسین، مانند جورج واشنگتن، آبراهام لینکلن، چارلز دوگل، گاندی، ماندیلا، لی‌کوان‌یو، جمال عبدالناصر و امثال آن‌ها شهرت جهانی و شماری دیگر شهرت ملی دارند.

ویژه‌گی‌های لازم برای رهبران موفق به دو دسته تقسیم می‌شود؛ یکی ویژه‌گی‌های ذاتی که به‌شکل فطری در برخی از انسان‌ها وجود دارد و دوم ویژه‌گی‌های اکتسابی که با تلاش شخصی به دست می‌آید. در جهان امروز، رهبری به دانشی کارآمد تبدیل شده است که در همه دانشگاه‌های جهان تدریس می‌شود و به همه ویژه‌گی‌های لازم رهبری از هر دو نوع یادشده می‌پردازد. درباره ویژه‌گی‌های رهبران موفق گفته می‌شود که از اراده قوی، شجاعت کافی، دوراندیشی لازم و پشت‌کار کم‌نظیری برخوردارند. آنان پیوسته در حال یادگیری‌اند، از چالپوسان دوری می‌کنند، صدای همه مردم را می‌شنوند، با مثبت‌اندیشی خود در سخت‌ترین لحظات امید می‌آفرینند، با پاک‌دامنی و خودانضباطی اعتماد خلق می‌کنند، با صداقت خود جلو شک و تردیدها را می‌گیرند، با اولویت‌شناسی مانع به هدر رفتن نیروها می‌شوند، با توانایی برقراری روابط گسترده زمینه بسیج ملی را فراهم می‌کنند، با ایثارگری خود روحیه از خودگذری را گسترش می‌دهند، با دیدگاه کلان ملی بر سردرگمی‌ها چیره می‌شوند، با مسوولیت‌پذیری خود از انداختن تقصیر به گردن دیگران ابا می‌ورزند و به جای حرص پول‌اندوزی، اعتماد مردم را بزرگ‌ترین سرمایه خود می‌شمارند.

افغانستان از این نظر یکی از کم‌طالع‌ترین کشورهای دنیاست. هیچ یک از رهبرانی که در این مدت ظهور کرده‌اند، همه صفات لازم برای رهبری را نداشته و در نتیجه به جای اتحاد، سبب تفرقه و به جای پیروزی ارمان‌آور شکست بوده‌اند. این کشور را باید سرزمین شکست‌های پیهم، فروپاشی‌های مکرر، ویرانی‌های مستمر، جنگ‌های بی‌پایان، کینه‌های عمیق، نفرت‌های روبه‌گسترش و بحران‌های ابدی شمرد. هرچند نمی‌توان به انتظار منجی آخرالزمان نشست، اما باید از دنباله‌روی رهبران نالایق رهایی یافت. باید آهنگ عبور از رهبران شکست‌خورده را نواخت و با بیرق داران هزیمت‌های مکرر برای همیشه بدرود گفت.

شبکه زنان پارلمانی و رهبران افغانستان خواستار توقف عادی‌سازی تبعیض سیستماتیک طالبان شد



در این اعلامیه از جامعه جهانی خواسته شده است تا برای بهبود حقوق زنان زیر سلطه طالبان، به فراخوان جهانی برای نجات زنان و دختران افغانستان یکجا شود.

در همین حال، مکتب انتقادی کابل نیز با نشر اعلامیه‌ای نوشته است که سیاست امریکا موفق نبود و هیچ نوع نتیجه بر مردم افغانستان نداشت. این مکتب نوشته است: «امریکا با روی کرد نیرنگ و با مدعای ریشه‌کن ساختن تروریسم که در اصل این پدیده زاده و پاچه خود این کشور بود با دنبال کردن اهداف کوتاه‌مدت خود در این کشورها بود.»

طالبان پس از تسلط دوباره‌شان بر افغانستان، محدودیت‌های زیادی را علیه زنان و دختران افغان وضع کرده‌اند. این گروه در نخست آموزش دختران بالاتر از صنف ششم و به‌دنبال آن سال گذشته رفتن دختران به دانشگاه‌ها و کار زنان در نهادهای دولتی و خصوصی را ممنوع کرده‌اند. جامعه جهانی برای به‌رسمیت شناختن طالبان چند پیش‌شرط از جمله تامین حقوق زنان و دختران، احترام به اقلیت‌های قومی و تشکیل حکومت همه‌شمول گذاشته است.

طالبان مدعی هستند که آنان حقوق زنان را تامین کردند و حکومت‌شان نیز همه‌شمول است. این خواست‌ها در حالی مطرح می‌شوند که با گذشت حدود دو سال از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، این گروه در زمینه حقوق بشر به‌ویژه حقوق زنان در کشور به خواست‌های جامعه جهانی و نهادهای حقوق بشری پاسخ مثبتی ارائه نکرده است.

۸صبح، کابل: شبکه زنان پارلمانی و رهبران افغانستان (AWPLN) می‌گوید که طالبان باید تبعیض برنامه‌ریزی شده علیه زنان افغان را پایان دهند.

شبکه زنان پارلمانی و رهبران افغانستان روز یکشنبه، ۲۲ اگست، با نشر اعلامیه‌ای گفته که این شبکه از زمان تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، معلومات زیادی را از زنده‌گی زنان و دختران افغان در بخش‌های مختلف از جمله آموزش، کار، مراقبت‌های صحتی، آزادی سفر و مشارکت در زنده‌گی سیاسی جمع‌آوری کرده است.

در اعلامیه این نهاد آمده است: «در دو سال گذشته، ما زنان افغانستان و جامعه جهانی شاهد یک سلسله نقض سیستماتیک حقوق اساسی زنان و دختران بودیم.»

به باور این نهاد مدافع حقوق زنان، اگر انزواي زنان از سوی طالبان ادامه یابد، پس از این صدای هیچ زن افغان در جهان شنیده نخواهد شد. شبکه زنان پارلمانی و رهبران افغانستان تصریح کرده که محدودیت‌های روز افزون رژیم طالبان علیه زنان در کشور، سبب افسرده‌گی آنان شده است.

در اعلامیه این شبکه همچنان آمده است: «ما به‌طور دوامدار از طالبان می‌خواهیم که مسوولیت‌های خود را در مطابقت با قوانین بین‌المللی برای تامین حقوق کامل همه زنان و دختران در افغانستان انجام دهند. ما خواستار توقف فوری عادی‌سازی خشونت علیه زنان و دختران از طریق اعمال ممنوعیت‌ها هستیم.»

چرخبال‌های طالبان بخش‌های از ولسوالی شهدای بدخشان را بمبارد کرده است



شیوه بدخشان میان طالبان صورت گرفته است که به دلیل قطع شبکه‌ها و ارتباطات، جزئیاتی از این درگیری در دست نیست. یک منبع دیگر نیز می‌گوید که طالبان ادعا کردند که در حمله هوایی در شهدا به مقاومت‌گران تلفات وارد کرده‌اند که هنوز رقم دقیق آن روشن نیست. منابع علاوه کردند که طالبان از چندین ولسوالی نیرو جمع‌آوری کرده‌اند تا کار نیروهای جبهه مقاومت ملی را در ولسوالی شهدای بدخشان که از مراکز عمده این جبهه محسوب می‌شود، «یک‌طرفه» کنند.

جبهه مقاومت ملی و طالبان به‌گونه رسمی در این مورد چیزی نگفته‌اند. این در حالی است که دوشنبه‌شب، ۱۶ اسد، در پی درگیری طالبان با نیروهای جبهه مقاومت ملی افغانستان به رهبری احمد مسعود در این ولایت، چهار طالب کشته و هفت جنگ‌جوی دیگر این گروه به‌دست نیروهای این جبهه اسیر شدند.

۸صبح، بدخشان: منابع محلی در بدخشان می‌گویند که چرخبال‌های طالبان بخش‌های از ولسوالی شهدای این ولایت را بمبارد کرده است. منابع روز یکشنبه، ۲۲ اسد، می‌گویند که درگیری‌های پراکنده از روز گذشته به این سو میان طالبان و نیروهای جبهه مقاومت ملی افغانستان در ولسوالی‌های شهدا، درایم و شیوه جریان دارد. به گفته منابع، طالبان از دو روز به این طرف به ولسوالی شهدا از زمین و هوا به‌منظور سرکوب نیروهای جبهه مقاومت ملی لشکرکشی کرده‌اند. منابع می‌افزایند که صبح امروز دو چرخبال طالبان روستای پشت‌یاب در ولسوالی شهدا را به هدف نشانه‌گرفتن سنگرهای افراد جبهه مقاومت ملی هدف قرار داده‌اند که تلفاتی در پی نداشته است. طبق اظهارات منابع، شب گذشته در دره غارسپان شهدا نیز درگیری پراکنده وجود داشته است که از تلفات آن تا کنون اطلاعی در دست نیست.

از جانبی، این منابع اضافه کردند که درگیری‌ها در

مقام طالبان: در مورد زمان بازگشایی دانشگاه‌ها به‌رویی دختران ملاهبت‌الله حرف آخر را می‌زند

۸صبح، کابل: مشاور وزارت تحصیلات عالی تحت مدیریت طالبان گفته است که دانشگاه‌های افغانستان آماده پذیرش مجدد دانشجویان دختر هستند، اما ملاهبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه در مورد این که چه زمانی دانشگاه‌ها باز خواهند شد حرف نهایی را می‌زند.

مولوی عبدالجبار، مشاور وزارت تحصیلات عالی تحت مدیریت طالبان روز دوشنبه، ۲۱ اسد، در گفت‌وگو با آسوشیتدپرس گفته است که به محض این‌که رهبر طالبان دستور لغو ممنوعیت تحصیل دختران را صادر کند، آنان آماده پذیرش دختران هستند. با این حال، او افزوده است که نمی‌تواند بگوید این اتفاق رخ خواهد داد یا خیر. عبدالجبار تصریح کرده است: «آخوندزاده دستور داد دانشگاه‌های تعطیل شوند، بنابراین تعطیل شدند و وقتی بگوید باز هستند همان روز باز می‌شوند.»

به گفته او، اکثریت رهبران طالبان خواهان از سرگیری تحصیل دختران هستند. وی علاوه کرده که آخرین بار هبت‌الله را هفت یا هشت سال پیش ملاقات کرده است. گفتنی است که با روی کارآمدن طالبان در افغانستان، این گروه دروازه‌های مکاتب دانشگاه‌ها را به‌رویی دختران مسدود کرده است.

با وجود فشارهای جهانی، طالبان تا کنون حاضر نشده‌اند دروازه مکاتب و دانشگاه‌ها را به‌رویی دختران بازگشایی کنند. اظهارات مشاور وزارت تحصیلات عالی طالبان نشانه‌ای دیگر از دو دسته‌گی رهبران طالبان در مورد تحصیل و آموزش دختران است.



نخستین بازدید کارشناسان ایرانی از سرچشمه‌های رود هیرمند

۸صبح، کابل: حسن کاظمی قمی، سفیر ایران در کابل، می‌گوید که کارشناسان ایرانی برای اولین بار به‌هدف رفع معضل حقایبه این کشور از رود هیرمند، از ولسوالی دهرآود ارزگان بازدید کرده‌اند.

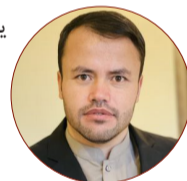
خبرگزاری مهر روز یکشنبه، ۲۲ اسد، به نقل کاظمی قمی گزارش داده که کارشناسان ایرانی از سرچشمه‌های رودخانه هیرمند بازدید کرده‌اند.

کاظمی قمی افزوده است: «هیات فنی ما در حال حاضر در کابل هستند، بازدید انجام شده و به‌زودی گزارش آن را دریافت خواهیم کرد.» پیش از این کاظمی قمی گفته بود که طالبان با بازدید کارشناسان ایرانی از بند کجکی هلمند موافقت کرده‌اند.

چند روز پیش احمد وحیدی، وزیر داخله ایران، همچنان با اشاره به حقایبه ایران از رودخانه هیرمند گفته بود: «اگر آب در سدها وجود داشته باشد، طالبان باید سهم ایران را تامین کند و اگر وجود ندارد، این موضوع باید برای ما روشن شود. کارشناسان ما معتقدند که در این بندها آب وجود دارد، اما طرف طالبان می‌گوید که آب نیست.»

خواست ایران در زمینه پرداخت حقایبه از رود هیرمند براساس معاهده ۱۹۷۳ است.

طالبان روزانه دست کم یک بار زندانیان را شکنجه می کنند



امین کوه

یک سازمان حقوق بشری با نشر گزارشی، گفته که طالبان در شش ماه نخست سال جاری میلادی به صورت گسترده و هدفمند حقوق بشری شهروندان افغانستان را نقض کرده اند. یافته های سازمان رواداری نشان می دهد که در این مدت، ۴۵ نظامی پیشین کشته شده، ۱۰ تن در زندان زیر شکنجه جان باخته و ۱۱ تن ناپدید شده اند. افزون بر این، ۶۹ تن در دادگاه های صحرائی محاکمه شده اند. یافته های این سازمان نشان می دهد که آویزان کردن اشیای سنگین در آلت تناسلی زندانیان، کشیدن مو، شوک برقی، نگهداری در طویله ها، خفه کردن با ریسمان و قرار دادن زندانیان در گرما و سرمای شدید، از شیوه های رایج شکنجه طالبان بوده است. براساس گزارش، طالبان دست به قتل های هدفمند و فراقضایی و انتقام جویی مرگبار از کارمندان حکومت پیشین زده و شماری از زنان معترض را در زندان ها مورد تجاوز قرار داده و برخی از آنان را به قتل رسانده اند. این گروه، اعتراض های مسالمت آمیز را سرکوب و معترضان و منتقدان را بازداشت و شکنجه کرده اند. طبق گزارش، هیچ نوع تغییر مثبتی در مقررات تبعیض آمیز طالبان به میان نیامده است.

رواداری یک سازمان حقوق بشری است که در مورد وضعیت حقوق بشری افغانستان کار می کند. این سازمان گزارشی را زیر نام «وضعیت حقوق بشر در شش ماه نخست سال ۲۰۲۳ در افغانستان» منتشر کرده است. یافته های گزارش نشان می دهد که طالبان در این مدت به صورت گسترده و سیستماتیک حقوق بشری شهروندان افغانستان را نقض کرده اند.

در این گزارش با ۳۵۳ تن از فعالان حقوق بشر، وابسته گان قربانیان، شاهدان عینی قضایا، وکلای مدافع، کارمندان حکومت پیشین، افراد رهاسده

از زندان های طالبان، خبرنگاران محلی، مسوولان مرکزی های صحتی و آموزگاران در ۳۰ ولایت مصاحبه شده است. مصاحبه شونده گان گفته اند که طالبان بارها آنان را تهدید کرده اند که در مورد بازداشت ها، قتل ها و اعمال فراقانونی این گروه، با رسانه ها و نهادهای حقوق بشری صحت نکنند.

براساس گزارش، در شش ماه نخست سال جاری میلادی، ۳۵۵ تن در کشور توسط طالبان کشته و ۱۶۱ تن زخمی شده اند. کشته گان شامل ۲۶۹ مرد، ۳۴ کودک، ۳۲ زن و ۲۰ تن با هویت نامعلوم، گزارش شده است. به گفته رواداری کارمندان و نظامیان حکومت پیشین، بزرگان قومی، مخالفان طالبان و غیرنظامیان قربانیان اصلی این رویدادها بوده اند.

در گزارش رواداری آمده است که حداقل ۳۴۲ تن که شامل ۲۹۹ مرد، ۳۳ زن و ۱۰ کودک می شوند، به صورت هدفمند، مرموز و غیرقضایی توسط طالبان و افراد ناشناس کشته و زخمی شده اند.



رواداری یک سازمان حقوق بشری است که در مورد وضعیت حقوق بشری افغانستان کار می کند. این سازمان گزارشی را زیر نام «وضعیت حقوق بشر در شش ماه نخست سال ۲۰۲۳ در افغانستان» منتشر کرده است. یافته های گزارش نشان می دهد که طالبان در این مدت به صورت گسترده و سیستماتیک حقوق بشری شهروندان افغانستان را نقض کرده اند.

در گزارش رواداری آمده است که حداقل ۳۴۲ تن که شامل ۲۹۹ مرد، ۳۳ زن و ۱۰ کودک می شوند، به صورت هدفمند، مرموز و غیرقضایی توسط طالبان و افراد ناشناس کشته و زخمی شده اند. بر اساس یافته های گزارش، از این میان ۲۸۳ تن به شکل هدفمند و فراقانونی به قتل رسیده و ۵۹ تن دیگر زخمی شده اند. در گزارش تذکر رفته که ۵۴ تن از کشته گان کارمند حکومت پیشین بوده اند. به گفته رواداری ۴۵ تن از کسانی که به قتل رسیده اند، نظامی پیشین و ۱۰ تن دیگر کارمند غیرنظامی بوده اند. در گزارش آمده است که ۹ تن از غیرنظامیان به اتهام همکاری با گروه های مخالف طالبان از سوی این گروه، به قتل رسیده اند. یافته های گزارش نشان می دهد که ۲۲۰ تن که شامل ۸۸ مرد، ۳۰ زن و ۸ کودک می شوند، در شش ماه گذشته به گونه مرموز به قتل رسیده و ۵۸ تن دیگر زخمی شده اند. طبق گزارش، شماری از غیرنظامیان در نتیجه اختلافات درونی طالبان به قتل رسیده اند. همچنان در گزارش آمده است که شماری از زنان معترض در زندان های طالبان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و تعدادی دیگر به قتل رسیده اند.

براساس یافته های گزارش، از این میان ۲۸۳ تن به شکل هدفمند و فراقانونی به قتل رسیده و ۵۹ تن دیگر زخمی شده اند. در گزارش تذکر رفته که ۵۴ تن از کشته گان کارمند حکومت پیشین بوده اند. به گفته رواداری ۴۵ تن از کسانی که به قتل رسیده اند، نظامی پیشین و ۱۰ تن دیگر کارمند غیرنظامی بوده اند. در گزارش آمده است که ۹ تن از غیرنظامیان به اتهام همکاری با گروه های مخالف طالبان از سوی این گروه، به قتل رسیده اند. یافته های گزارش نشان می دهد که ۲۲۰ تن که شامل ۸۸ مرد، ۳۰ زن و ۸ کودک می شوند، در شش ماه گذشته به گونه مرموز به قتل رسیده و ۵۸ تن دیگر زخمی شده اند. طبق گزارش، شماری از غیرنظامیان در نتیجه اختلافات درونی طالبان به قتل رسیده اند. همچنان در گزارش آمده است که شماری از زنان معترض در زندان های طالبان مورد تجاوز جنسی قرار گرفته و تعدادی دیگر به قتل رسیده اند.

بربنیاد این گزارش، ۱۱ تن از غیرنظامیان پس از بازداشت از سوی طالبان، ناپدید شده اند. رواداری گفته است که ناپدید شدن اجباری، طبق اسناد بین المللی حقوق بشر، مصداقی از جنایت علیه بشریت است. در گزارش تصریح شده که طالبان از ارایه جزییات افراد بازداشت شده به خانواده های قربانیان خودداری کرده اند.

همچنان در گزارش توضیح داده شده که ۲۲۲ تن به شمول ۲۳ زن، در ۱۶ ولایت به صورت خودسرانه و غیرقانونی توسط طالبان بازداشت شده اند. یافته های رواداری نشان می دهد که فقدان مکانیسم های حقوقی بازدارنده، عدم التزام طالبان به موازین حقوق بشر و اصول محاکمه عادلانه و همچنان فساد و بی نظمی گسترده در سطوح مختلف اداره های تحت کنترل این گروه، از مهم ترین عوامل بازداشت های خودسرانه و غیرقانونی بوده است.

در گزارش گفته شده که افراد غیرمسوول و حتا اداره شهرداری ها و دستگاه امر به معروف و نهی از منکر طالبان، شهروندان را بازداشت کرده اند. در گزارش از بازداشت افراد توسط شهرداری غور یاد شده و نیز تاکید شده که اداره های ترافیک، احصایه، صحت عامه و شفاخانه حوزوی قندهار نیز شماری از باشندگان این ولایت را بازداشت کرده اند. افزون بر این، رواداری دریافته که طالبان در بخش هایی از کشور شهروندان را در زندان های شخصی خود توقیف و شکنجه می کنند.

در گزارش رواداری آمده است که این گروه، به تداوم بازداشت های غیرقانونی و انتقام جویی از کارمندان حکومت پیشین، در شش ماه نخست سال جاری میلادی حداقل ۷۳ کارمند حکومت پیشین که شامل ۴۷ نظامی و پنج غیرنظامی بوده اند را با ۲۱ تن از وابسته گان آنان بازداشت کرده است. طبق گزارش، دست کم ۴۷ تن از مدافعان حقوق بشر، فعالان مدنی و خبرنگاران نیز به اتهام اعتراض، انتقاد و تبلیغ علیه طالبان به طور خودسرانه بازداشت و شکنجه شده اند و ۵۳ تن دیگر به اتهام عضویت در جبهه مقاومت ملی و دیگر گروه های مخالف طالبان، توقیف و شکنجه گردیده اند.

یافته های رواداری نشان می دهد که اکثریت زندانیان مورد شکنجه و بد رفتاری قرار گرفته و در بازداشتگاه های طالبان حداقل روزانه یک بار شکنجه شده اند. به گفته این نهاد حقوق بشری، در حال حاضر هیچ نوع مکانیسم حقوقی که از شهروندان در برابر رفتارهای شکنجه آمیز طالبان حمایت کند، وجود ندارد. طبق گزارش، طالبان از شکنجه به مثابه ابزاری برای اخذ اقرار و اعتراف اجباری از متهمان استفاده می کنند.

در گزارش این سازمان گفته شده که دست کم ۱۰ تن در نتیجه شکنجه شدید طالبان در زندان ها جان باخته اند. رواداری تصریح کرده که این گروه، در مدت شش ماه، ۶۹ تن را که شامل ۵۳ مرد و ۱۶ زن می شوند، در هشت ولایت در محضر عام شلاق زده و حکم سنگسار دو تن را در ولایت بامیان صادر کرده است. رواداری، این نوع مجازات را غیرانسانی توصیف کرده است.

این سازمان حقوق بشری در گزارش خود گفته است: «لت وکوب، قرار دادن در گرمای شدید، خفه کردن با ریسمان، آویزان کردن اشیای سنگین در آلت تناسلی قربانیان و سپس وادار کردن آن ها به راه رفتن، کشیدن پلاستیک به سر قربانیان، بی خوابی دادن، خوراندن غذای بیش از حد تند و تلخ، ترساندن با فیر مرمی، نگهداری کردن بازداشت شده گان در طویله های حیوانات، قرارداد قربانیان در فضای متعفن و آزاردهنده، آویزان کردن، دادن شوک برقی و کشیدن مو از شیوه های معمول شکنجه در بازداشتگاه های طالبان» است.

یافته های این گزارش نشان می دهد که طالبان در این مدت هیچ تغییر مثبتی در سیاست ها و مقررات تبعیض آمیز خود به میان نیاورده اند. به گفته رواداری، طالبان به اعمال محدودیت های گسترده تر دست زده و آزادی های اساسی شهروندان را از بین برده اند. طبق گزارش، دختران و زنان در حاکمیت طالبان از ابتدایی ترین حقوق انسانی شان محروم شده و این گروه هیچ نوع پاسخی در این مورد نداشتند است.

رواداری از جامعه جهانی خواسته که با اذعان به آپارتاید جنسیتی طالبان، پاسخ متناسب به این وضعیت در افغانستان ارایه کند و برای تامین امنیت و مصونیت کارمندان حکومت پیشین و خانواده های شان که در معرض انتقام جویی های طالبان قرار دارند، اقدام نماید. این سازمان گفته که جهان می تواند با ابزارهای قانونی و مکانیسم های بین المللی حقوق بشر، برای تضمین حقوق بشری شهروندان افغانستان در برابر رفتارهای فراقانونی طالبان، اقدام کند. در گزارش از سازمان ملل خواسته شده که در مورد وضعیت زندان های تحت کنترل طالبان و به خصوص رویدادهای شکنجه و بد رفتاری با زندانیان و وجود زندان های شخصی و غیرقانونی این گروه، تحقیق کند.

این گزارش در حالی منتشر می شود که پیش از این نیز سازمان های حقوق بشری بارها گفته اند که طالبان در جریان دو ساله گذشته به صورت دوام دار دست به بازداشت های خودسرانه، سرکوب خشونت آمیز فعالیت های اعتراضی و قتل های هدفمند و فراقانونی زده و زندانیان را به صورت مرگبار شکنجه کرده اند.



**اگر رهبران
تی‌تی‌پی به فرمان
ملا هبت‌الله
آخوندزاده تن
بدهند و دست از
جنگیدن بردارند،
هزاران جنگ‌جویی
که در بدنه این
گروه فعالیت دارند،
قناعت نخواهند
کرد.**



فهییم ستوده

تنور فعالیت‌های تروریستی در پاکستان هر روز بیشتر گرم می‌شود. ده‌ها هزار مدرسه دینی این کشور که خارج از کنترل دولت فعالیت می‌کنند، همچنان به ترویج افراطیت و رادیکالیسم یاری می‌رسانند. این مدارس، کارخانه‌های اصلی افراطیت و منبع گسترش آن به سراسر پاکستان و افغانستان هستند. دولت پاکستان به‌خوبی می‌داند که تروریست‌ها و افراط‌گرایان از کجا می‌آیند، اما مسیر آن را نمی‌تواند ببیند. نهادهای مذهبی و دینی در پاکستان بسیار قدرت دارند. برخی از احزاب قدرتمند این کشور مانند جمعیت علمای اسلام، به‌صورت مستقیم از افراطیت حمایت می‌کنند و مدارس دینی بسیاری را تحت حمایت دارند. اقدام اسلام‌آباد علیه مدارس دینی افراط‌پرور در پاکستان، به معنای درگیر شدن با این احزاب اسلام‌گرا/افراطی قدرتمند نیز است. حالا که اسلام‌آباد و جنرالان مقیم راولپندی از یک طرف با تی‌تی‌پی، داعش، گروه‌های آزادی‌خواه بلوچ و سایر گروه‌های مسلح در جنگ گرم هستند و از طرف دیگر جنگ سردی را علیه حزب پرطرفدار «تحریک انصاف پاکستان» به رهبری عمران خان، نخست‌وزیر مخلوع این کشور پیش می‌برند، جبهه دیگری را علیه خود باز نمی‌کنند. از طرفی، احزاب اسلام‌گرا و مدارس دینی آن قدر قدرت و نفوذ دارند که مبارزه با آن‌ها در دستور کار اسلام‌آباد - حداقل در کوتاه‌مدت - قرار نگیرد.

بنابراین، اسلام‌آباد تروریسم را با کنترل مدارس دینی مداوا نمی‌کند، بلکه با عملیات نظامی و صدور فرامینی مبنی بر غیرمشمروع بودن «جهاد» در خاک پاکستان، درد این مرض را برای چند روزی تسکین می‌دهد. یکی از اقدامات تسکین‌دهنده اسلام‌آباد، اعمال فشار بر طالبان افغان برای صدور فرمان حرام بودن «جهاد» در پاکستان است. ایکس‌پرس تریبون، رسانه پاکستانی، پنج روز پیش گزارش داد که اسلام‌آباد از طالبان افغان می‌خواهند فرمان ملا هبت‌الله آخوندزاده، رهبر این گروه، در مورد حرام بودن جهاد در پاکستان را علنی کنند. گزارش به نقل از منابعی افزوده است که چنین فرمانی تحت فشار اسلام‌آباد از سوی هبت‌الله آخوندزاده صادر شده و در میان طالبان افغان دست‌به‌دست می‌شود، اما هنوز به‌صورت آشکار اعلام نشده است. اسلام‌آباد انتظار دارد که علنی شدن آن فرمان، به امنیت پاکستان در آستانه انتخابات بسیار مهم این کشور کمک کند.

همان‌طور که جنرال قمر جاوید باجوا، رییس پیشین ارتش پاکستان گفته بود، تحریک طالبان پاکستان (TTP) و تحریک طالبان افغانستان دو روی یک سکه‌اند. قاعدتا دو روی یک سکه نمی‌توانند در مقابل هم بایستند، بلکه همیشه پشت هم‌دیگر قرار می‌گیرند. حتا اگر رهبران طالبان افغان تحت فشار اسلام‌آباد چند روزی دست از حمایت تی‌تی‌پی بردارند، ولی در درازمدت آن‌ها کنار هم باقی خواهند ماند. تعلق خاطری که جنگ‌جویان دو گروه نسبت به

فرمان ملا هبت‌الله پاکستان را نجات خواهد داد؟

ممکن عمل کنند که مثلا انتخابات پاکستان در فضای نسبتاً آرامی برگزار شود، هرچند همین قدر تاثیر هم بعید به نظر می‌رسد.

مشکل ناامنی ناشی از تروریسم و بنیادگرایی در پاکستان، با تی‌تی‌پی آغاز نشده است که با نابودی این گروه به پایان برسد. در آن کشور، گروه‌های مسلح بلوچ درگیر جنگ گرم با دولت‌اند که گفته می‌شود پناه‌گاه‌هایی در مناطق مرزی ایران هم برای خود دست‌وپا کرده‌اند و از آن‌جا عملیات خود را هدایت می‌کنند. حضور القاعده و داعش نیز در خاک پاکستان، تحلیل‌گران و ناظران را نگران کرده است. گروه‌هایی مانند جندالله نیز جنگ‌جویانی در پاکستان دارند. تعداد گروه‌های تروریستی پاکستانی شبیه جنگ‌های هم یکی دو تا نیست. بنابراین، علنی شدن فرمان ملا هبت‌الله که می‌تواند مشروعیت دینی رژیم تحت کنترل او را نیز سلب کند، تاثیری روی گروه‌هایی مانند داعش در پاکستان ندارد. اخیراً بزرگ‌ترین و خونین‌ترین حملات در خاک پاکستان از سوی داعش انجام شده است که طالبان افغان و پاکستان و دولت مستقر در اسلام‌آباد را دشمن می‌داند.

در نهایت این‌که پاکستان روزهای خوبی در پیش ندارد. نه توان مبارزه با کارخانه‌های بنیادگرایی را دارد و نه قدرت نابودی این همه گروه تروریستی در خاکش را. اعمال فشار بر طالبان افغان و گرفتن فرمان از آن‌ها، وضعیت دشوار و درمانده‌گی جنرالان پاکستانی را نشان می‌دهد. چنین فرمان‌هایی اما نمی‌توانند پاکستان را نجات دهند. این کشور همین حالا ده‌ها هزار مدرسه دینی خارج از کنترل دولت دارد که نسل جدیدی از بنیادگراها را تربیت می‌کنند. درگیری آینده دولت پاکستان، با دانش‌آموزان کنونی این مدارس خواهد بود.

هم‌دیگر دارند، نیز با فشارهای اسلام‌آباد و حتا فرمان سفارشی ملا هبت‌الله نابودشدنی نیست. طالبان افغانستان، طالبان پاکستان را فرزندان خود می‌دانند که در زمان جنگ این گروه در مقابل دولت افغانستان، بازوی قدرتمندش بود و پناه‌گاه امنی برایش فراهم کرده بود. آن‌ها حتا بین خود روابط خانوادگی دارند و ازدواج‌هایی میان خانواده‌های آنان صورت گرفته است. این روابط به قدری محکم است که نشود با فشار اسلام‌آباد رشته آن را پاره کرد.

از سویی، تحریک طالبان پاکستان در موقعیتی قرار دارد که گروه طالبان افغانستان در دو دهه گذشته قرار داشت. یک گروه «جهادگرا» و افراطی که از میان قبایل برخاسته و دولت مستقر را غیراسلامی و دست‌نشانده می‌خواند و «جهاد» علیه آن را وظیفه خود و باقی مردم مسلمان می‌داند. به همین دلیل، اگر رهبران تی‌تی‌پی به فرمان ملا هبت‌الله آخوندزاده تن بدهند و دست از جنگیدن بردارند، هزاران جنگ‌جویی که در بدنه این گروه فعالیت دارند، قناعت نخواهند کرد. آن‌ها وقتی ببینند «جهاد» طالبان افغان در برابر دولت افغانستان «مشروع» و «ثواب» بود، از خود خواهند پرسید که چرا در برابر دولت پاکستان که بسیار کمتر از دولت پیشین افغانستان اسلامی است، واجب و مشروع و ثواب نباشد. اگر چنین فرمانی موجبات نارضایتی آن جنگ‌جویان از رهبران تی‌تی‌پی را فراهم کند، آن‌ها به‌ساده‌گی با گروه‌های تکفیری دیگر یک‌جا خواهند شد. شبیه این وضعیت در افغانستان و پاکستان بسیار اتفاق افتاده است. فرمان ملا هبت‌الله هرچه باشد، نمی‌تواند افکار آن تندروران را قانع سازد. بنابراین، علنی شدن فرمان سفارشی ملا هبت‌الله و صدور فرمان‌های مشابه، نمی‌تواند رادیکالیسم را که مشکل اصلی پاکستان است، نابود کند. چنین دستاویزهایی، شبیه مسکنی

طالبان در دوراهی انتخاب میان تی‌تی‌پی و پاکستان

شجاع‌الدین امینی

سلطه طالبان بر افغانستان برای پاکستان آن‌گونه که تصور می‌شد، شادی نیافرید. عامل آن، افزایش فعالیت هراس‌افگانه تحریک طالبان پاکستان (تی‌تی‌پی) علیه منافع این کشور از خاک افغانستان است. خواجه آصف، وزیر دفاع پاکستان، در ۲۰ جولای سال روان گفت: «از زمانی که حکومت طالبان به افغانستان آمد، ما هم قدردانی کردیم که بعد از یک جنگ طولانی موفق شدند، خوشحال شدیم و به آن‌ها تبریک گفتیم، اما نمی‌دانستیم که به دشمنان ما پناه و پناه‌گاه خواهند داد.» آصف درانی، نماینده ویژه پاکستان در امور افغانستان، در ۱۹ جولای در سفر سه‌روزه به کابل آمد و با مقام‌های طالبان دیدار و گفت‌وگو کرد. گفته می‌شود که موصوف، حامل پیام مهم از سوی دولت پاکستان به طالبان در پیوند به سرکوب تی‌تی‌پی بوده است. به‌تازگی جنرال عاصم منیر، رییس ستاد ارتش پاکستان، در ۷ اگست گفت: «تروریست‌ها از خاک افغانستان به امنیت پاکستان صدمه زده‌اند و

برای سرکوب این گروه‌ها در خاک افغانستان اراده مستحکم داریم.» ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان، در پاسخش گفت: «جلوگیری و کنترل حملات در داخل پاکستان بر عهده ما نیست.» مقام‌های اسلام‌آباد در گذشته، تنها از تی‌تی‌پی نام می‌بردند، حالا از شهروندان افغان نیز نام می‌برند که به‌زعم آنان در حمله بر خاک این کشور دست دارند. شهباز شریف، نخست‌وزیر پاکستان، در اول اگست سال روان مدعی شد که در حمله‌های اخیر در پاکستان، شهروندان افغان دست داشته‌اند و از طالبان خواست تا مراقب عبور تروریست‌ها از مرزها باشند. همین‌طور، حنا ربانی کهر، وزیر دولت در امور خارجه پاکستان، از دست‌داشتن افغان‌ها در حملات هراس‌افگانه در خاک این کشور خبر داد و مدعی شد که اسناد و شواهد موجود در زمینه را به گروه طالبان تحویل داده است. سخنگوی طالبان در جواب نگرانی مقام‌های اسلام‌آباد، سخن همیشه‌گی‌اش را تکرار کرد: «از خاک افغانستان علیه منافع هیچ کشوری استفاده نخواهد شد.» با توجه به نگرانی مقام‌های اسلام‌آباد، گروه طالبان



ناچار به انتخاب میان دو گزینه است: تی‌تی‌پی و دولت پاکستان. پرسش این است که آیا گروه طالبان دولت پاکستان را به تی‌تی‌پی ترجیح خواهد داد؟

۱- امارت طالب در هیچ زمینه‌ای درخشش نداشته و نتوانسته رضایت دنیا را فراهم کند. تنها زمینه‌ای که دنیا به‌ویژه کشورهای همسایه روی آن توافق دارند و زیاد حساسیت نشان می‌دهند، ضرورت مبارزه با تروریسم در افغانستان است. در این صورت، اگر گام موثری در زمینه از سوی طالبان برداشته شود [که هنوز نشده و نخواهد شد]، رویکرد دنیا نسبت به این گروه تغییر خواهد کرد. لذا، طالبان شاید تلاش کنند کاری انجام دهند که رضایت همسایه‌گان از جمله پاکستان را به‌دنبال داشته باشد. پس از کشته‌شدن ایمن‌الظواهری، رهبر القاعده در کابل به‌جای آن

که طالبان در معرض خشم دنیا قرار گیرند، دولت جو بایدن کاری کرد که دنیا تصور کند گروه طالبان همکار امریکا در مبارزه با تروریسم است. این امر، طالبان را به‌نحوی از پناه‌دادن به گروه القاعده برائت داد. در حالی که انتظار این بود، طالبان به جرم پناه‌دادن به القاعده تادیب شوند که نه‌تنها نشدند، بل پاداش نیز گرفتند. اکنون، طالبان خاموش کردن منازعه با پاکستان بر سر تی‌تی‌پی را بزرگ‌ترین آزمون فراراه خود می‌دانند. لذا، می‌کوشند تا کاری کنند که دنیا به شعار مبارزه این گروه علیه گروه‌های تروریستی باور کند؛ چون چشم دنیا به‌سمت فعالیت تی‌تی‌پی از خاک افغانستان علیه پاکستان دوخته شده و فغان مقام‌های این کشور گوش فلک را کر کرده است.

ادامه در صفحه ۷

بازداشت و سرکوب خبرنگاران همچنان

ادامه دارد

۸ صبح، پروان

با گذشت دو سال از حاکمیت طالبان بر افغانستان، بازداشت، خشونت، سرکوب خبرنگاران و سانسور شدید علیه رسانه‌ها در کشور همچنان ادامه دارد. شماری از نهادهای پشتی‌بان رسانه‌ها با نشر اعلامیه‌هایی، از ادامه بازداشت‌ها و وضع محدودیت‌های شدید بر رسانه‌ها و خبرنگاران نگرانی کرده و گفته‌اند که سردبیران و روزنامه‌نگاران در افغانستان تحت کنترل طالبان، «اگر می‌خواهند زنده بمانند»، باید از دستورات طالبان در خصوص رسانه‌ها پیروی کنند. به گفته آنان، دستورات طالبان در قبال رسانه‌ها، راه را برای استبداد و آزاروآذیت خبرنگاران و محدودسازی فعالیت روزنامه‌نگاری هموار می‌کند. بر بنیاد آمارهای نشر شده، تنها در یک هفته اخیر، طالبان دست کم پنج خبرنگار را در سه ولایت کشور بازداشت و زندانی کرده‌اند. با این حال، شماری از خبرنگاران دلیل این‌گونه اقدام‌های طالبان را «پنهان کردن ظلم و استبداد» این گروه بالای مردم افغانستان، عنوان می‌کنند.

فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران (IFJ) روز جمعه، ۲۰ اسد، با نشر اعلامیه‌ای گفت که موج بازداشت‌های خبرنگاران در افغانستان، آزادی اندک باقی‌مانده رسانه‌ها را تضعیف می‌کند. این فدراسیون همچنان از بازداشت برخی خبرنگاران از سوی طالبان در ولایت‌های کندز، ننگرهار و پکتیا ابراز نگرانی کرده است. بر بنیاد گزارش‌ها، در یک هفته اخیر حبیب‌الله سراب، خبرنگار تلویزیون آریانا در ولایت پکتیا، فقیرمحمد فقیرزی، مسوول دفتر رادیو کلید در ولایت ننگرهار و جان‌آقا صالح، خبرنگار این رسانه و همچنان حبیب‌الله حساس، خبرنگار محلی رادیو سلام وطن‌دار در کندز از سوی طالبان بازداشت شده‌اند. همچنان سیدوحدت‌الله ابدالی، خبرنگار خبرگزاری باختر تحت کنترل طالبان، از یک هفته به این سو در قید این گروه به سر می‌برد. مرتضا بهبودی، خبرنگار افغانستانی-



فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران به نقل از تیم داوسن، معاون سرمنشی این نهاد، گفته است که در دو سال گذشته آزادی رسانه‌های مستقل در افغانستان به‌گونه سیستماتیک تضعیف و رسانه‌ها سرکوب شده‌اند.

فرانسوی و امین‌الله عالمی، موسس و صاحب امتیاز رادیوی محلی «ممتاز» در فاریاب، نیز از جمله خبرنگاران زندانی‌اند.

فدراسیون بین‌المللی خبرنگاران به نقل از تیم داوسن، معاون سرمنشی این نهاد، گفته است که در دو سال گذشته آزادی رسانه‌های مستقل در افغانستان به‌گونه سیستماتیک تضعیف و رسانه‌ها به سرکوبان گرفته شده‌اند. به گفته او، این‌گونه بازداشت‌ها خبرنگاران را به هراس انداخته و این نشان می‌دهد که برای رسانه‌های مستقل چه‌قدر آزادی باقی مانده است. در همین حال، شماری از خبرنگاران دلیل این‌گونه اقدام‌های طالبان را «پنهان کردن ظلم و استبداد» این گروه بالای مردم افغانستان عنوان می‌کنند.

عبدالله ولی‌زاده، یکی از خبرنگاران کشور، گفت: «متأسفانه وضع حاکم در افغانستان به‌گونه‌ای است که

اشاره کرده و گفته است که سردبیران و روزنامه‌نگاران در افغانستان تحت کنترل طالبان، «اگر می‌خواهند زنده بمانند» باید از دستورات طالبان در خصوص رسانه‌ها پیروی کنند.

این سازمان گفته است که دستورات طالبان در قبال رسانه‌ها، راه را برای استبداد و آزاروآذیت خبرنگاران و محدودسازی فعالیت روزنامه‌نگاری هموار می‌کند. بر بنیاد این گزارش، در جریان دو سال گذشته دست کم هشت هزار خبرنگار افغان، کشور و شغل خود را ترک کرده‌اند. در اعلامیه سازمان گزارشگران بدون مرز آمده است: «پس از ۱۵ اگست ۲۰۲۱، بیش از ۸۰ درصد از خبرنگاران زن در افغانستان شغل خود را ترک کرده و از نزدیک به ۱۲ هزار خبرنگار زن و مرد که در سال ۲۰۲۱ در این کشور کار می‌کردند، بیش از دو سوم آن‌ها مسلک خود را ترک کرده‌اند. در دو سال گذشته رسانه‌ها با نابودی مواجه شده‌اند.»

سازمان گزارشگران بدون مرز با استناد به آمار انجمن خبرنگاران مستقل افغانستان، گفته است که از ۱۵۰ تلویزیون اکنون ۷۰ شبکه فعال‌اند، از ۳۰۷ رادیو ۱۷۰ رادیو نشرات دارند و همچنان از جمله ۳۱ خبرگزاری، ۱۸ خبرگزاری فعالیت دارند.

از سویی هم، پروژه داده‌های مکان و رویداد درگیری‌های مسلحانه (ای‌سی‌ال‌ای‌دی) در گزارشی زیر نام «دو سال سرکوب، ترسیم خشونت طالبان با هدف قرار دادن غیرنظامیان در افغانستان» گفته است که سازمان‌های رسانه‌ای باید در برابر بازداشت‌های خودسرانه و سانسور از سوی طالبان، مبارزه کنند. این نهاد افزوده است که پس از آغاز حاکمیت دوباره طالبان بر افغانستان، محیط رسانه به‌گونه دراماتیک تغییر کرده و ۵۰ درصد رسانه‌ها مسدود شده‌اند. در این گزارش آمده است که خبرنگاران در حاکمیت طالبان با تهدیدهای فزاینده‌ای روبه‌رو شده‌اند. بر بنیاد این گزارش، بیش از ۷۰ پرونده خشونت در برابر خبرنگاران و کارمندان رسانه‌ها را از زمان سقوط کابل تا ماه جون سال جاری میلادی ثبت کرده است که بیش از ۸۳ درصد آن قضایا از سوی طالبان انجام شده است.

گفتنی است که طالبان در دو سال حاکمیت خود در افغانستان، محدودیت‌های گسترده‌ای را بر رسانه‌ها وضع کرده‌اند. به گزارش نهادهای ناظر، این گروه شماری از خبرنگاران را بازداشت و شکنجه کرده است. شمار قابل ملاحظه‌ای از خبرنگاران در دو سال گذشته، با تنگ شدن فضای کار روزنامه‌نگاری، افغانستان را ترک کرده‌اند.

ظرفیت پذیرش انتقاد، بیان آزاد و نقدهای سازنده وجود ندارد. گروه حاکم در افغانستان که خود را عقل کل و به نحوی خود را فرستاده‌گان خدا به روی زمین می‌داند، و فکر می‌کند که هیچ‌گونه خطایی از این گروه سر نمی‌زند؛ به همین دلیل اجازه نسبی گفتن حقایق را به خبرنگاران نمی‌دهد. او اضافه کرد: «به دلیل این‌که حاکمیت طالبان قابل پذیرش مردم و جامعه جهانی نیست، برای پنهان کردن کاستی‌های، خلاها و ظلم، افراد این گروه دست به بازداشت خبرنگاران و خشونت می‌زنند.»

احمدنوبد کاوش، یکی دیگر از خبرنگاران، می‌گوید که طالبان «تحمل» تهیه گزارش‌های مستقل و آزاد از وضعیت جاری در افغانستان را ندارند. به گفته او، گروه طالبان از خبرنگاران زندانی اعتراف‌های اجباری می‌گیرد و آنان را مورد شکنجه شدید قرار می‌دهد.

با این حال، خبرنگاران و نهادهای مدافع خبرنگاران خواستار رهایی هرچه زودتر خبرنگاران بازداشت‌شده‌اند.

خشونت، سرکوب، سانسور شدید و بیکاری خبرنگاران

سازمان گزارشگران بدون مرز (RSF) با نشر گزارشی در مورد وضعیت خبرنگاران و رسانه‌های افغانستان پس از تسلط دوباره طالبان بر کشور، می‌گوید که در دو سال اخیر رسانه‌های این کشور با نابودی مواجه شده‌اند. این گزارش به محدودیت‌های طالبان علیه رسانه‌ها

باغ داران در سمنگان از کاهش بی‌پیشینه

حاصلات بادام شاکی‌اند

۸ صبح، سمنگان

بادام سمنگان یکی از اقلام صادراتی کشور به شمار می‌رود که از لحاظ کیفیت شهرت جهانی دارد. در پنج سال اخیر دوره جمهورییت حدود ۶۰ درصد این محصول به کشورهای خارجی صادر می‌شد و ۴۰ درصد آن در بازارهای داخلی به فروش می‌رسید؛ اما پس از تسلط گروه طالبان بر افغانستان به دلیل بحران سیاسی در کشور، صادرات این میوه خشک به کشورهای خارجی کاهش یافته بود. در نخستین سال حاکمیت گروه طالبان، باغ‌داران در سمنگان زیان هنگفتی را متضرر شده بودند. با این حال امسال که نسبتاً صادرات میوه خشک اندکی رونق گرفته، به دلیل سرمای شدید در ماه‌های دلو و حوت سال گذشته، حاصلات بادام کاهش چشم‌گیری داشته است.

باغ‌داران در سمنگان می‌گویند که به دلیل سرمای زیاد در زمستان سال گذشته، حاصلات بادام‌شان امسال ۷۰ تا ۸۰ درصد کاهش یافته است. جوهره‌قل، یکی از باغ‌داران در سمنگان، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که ۲۱ جریب زمین را به کاشت چندین گونه بادام، از جمله بادام ستاریایی،

قهاریایی، شکوریایی و ستاریایی مخرمی اختصاص داده که بهای هر کدام آن‌ها متفاوت است. به گفته او، درآمدش در سال گذشته حدود بیش از یک میلیون افغانی بوده، اما سرمای زمستان گذشته به درختانش آسیب رسانده و حاصلات باغ‌های بادامش به‌گونه چشم‌گیری کاهش یافته است.

عبدالحی که در دره زندان شهر ایبک مشغول باغ‌داری است، می‌گوید که در موازی ۱۳ جریب زمین باغ دارد و در آن ۲۴۰ درخت بادام موجود است. به گفته او، امسال وی چهل سیر بادام از باغ خود برداشت کرده و از ناحیه فروش آن ۲۰۰ هزار افغانی به دست آورده است، اما او نسبت به سال گذشته حاصل کمتری از بادام‌های خود به دست آورده است.

در همین حال تاجران میوه خشک در سمنگان نیز نگران کاهش محصولات بادام در این ولایت هستند. حبیب‌الله قرق که از پنج سال به این سو مشغول تجارت بادام است، می‌گوید که امسال حاصلات بادام در این ولایت به‌گونه بی‌پیشینه کاهش یافته است. قرق می‌افزاید که امسال دو هزار سیر بادام مختلف را به دشواری از ولایت سمنگان خریداری کرده، اما از این که نرخ آن به دلیل کاهش محصولات بلندرفته، آن را با سود اندک در شهر کابل به فروش رسانده است.

از سوی دیگر براساس ادعای مسوولان ریاست زراعت، آبیاری و مالداري سمنگان، امسال قرار است باغ‌داران این ولایت حدود ۸۵۰ میلیون افغانی عواید از حاصلات بادام را جمع‌آوری کنند، در حالی که سال گذشته آن‌ها یک میلیارد و ۶۰۰ میلیون افغانی از حاصلات بادام عواید داشتند. انجینر عبدالخلیل کریمی، آمر امور زراعتی ریاست زراعت، آبیاری و مالداري طالبان در سمنگان، می‌گوید که بنا بر سردی هوا و باریدن برف در ماه‌های دلو و حوت (زمان شگوفه درخت‌های بادام) میزان حاصلات بادام سمنگان امسال ۶۰ درصد کاهش یافته است. او تاکید کرد که در نتیجه بررسی‌های آنان از باغ‌های بادام در مناطق مختلف ولسوالی‌های حضرت سلطان، خرم‌ساریاغ و قریه‌جات مختلف شهر ایبک، حاصلات امسال این باغ‌ها یک هزار و ۹۰۰ تن تخمین شده، در حالی سال گذشته چهار هزار و ۶۰۰ تن بادام از این باغ‌ها برداشت شده بود.

کریمی اما افزود که نرخ فروش بادام در مقایسه به سال قبل افزایش یافته است، طوری که اکنون در شهر ایبک یک سیر بادام از یک هزار و ۲۰۰ افغانی تا پنج هزار و ۵۰۰ افغانی به فروش می‌رسد و این رقم در سال گذشته ۷۰۰ افغانی تا چهار هزار و ۵۰۰



افغانی بود.

بر بنیاد اطلاعات ریاست زراعت، آبیاری و مالداري طالبان در سمنگان، بیش از پنج هزار و ۱۲۴ هکتار باغ بادام در مرکز و ولسوالی‌های حضرت سلطان و خرم‌ساریاغ این ولایت موجود است و بادام این ولایت از نگاه کیفیت در سطح کشور شهرت زیادی دارد. بادام سمنگان در نوعیت‌های مختلف و با نام‌های مختلف از جمله ستاریایی، خیرالدینی، شکوریایی، قمبری، مروچی، صدوقی، عبدالواحدی، غفاریایی، کاغذی و سنگک وجود دارد و بنا بر گفته‌های تاجران، بادام ستاریایی که در میان مردم به نام شاه‌خوری نیز مشهور است، بهترین نوع آن‌هاست.

سمنگان در شمال کشور واقع شده و اکثر باغ‌داران آن مصروف پرورش درختان بادام هستند. آن‌ها سالانه عواید هنگفتی از بابت فروش این محصول به دست می‌آورند.

خانه‌خسر؛

از مرگ نوجوانی تا مرگ فرزند

عایشه خراسانی



در خانه خسر روزهای سختی را گذراندم. چند تا ایور و ننو داشتم؛ همه‌گی به جان هم می‌افتادند. من از این وضع خسته شده بودم و به شوهرم اصرار می‌کردم تا مرا هم پیش خودش ببرد. مادر شوهرم در میان همه آن‌ها آدم بادرکی بود و او نیز می‌خواست من زودتر بروم پیش شوهرم. ولی شوهرم انگار تغییر کرده بود؛ بازی‌گوشی می‌کرد و فقط مرا معطل نگه می‌داشت. خودش از دور و برادران و خواهرانش در خانه اذیت می‌کردند.

من دختر نوجوان و سر به هوایی بودم که زمستان را با برف‌بازی جشن می‌گرفتم. اما زمستان پنج سال قبل سرنوشت مرا به بازی گرفت. با مردی که نمی‌شناختم، کیلومترها دور از من زنده‌گی می‌کرد و حتا عکسی از او ندیده بودم، نامزد شدم. به پای همین مرد که اسمش را هم نمی‌دانستم، چهار سال نشستم؛ اما عاقبت تمام فداکاری‌هایم با سه بار تکرار یک کلمه به خاک یک‌سان شد. من با آن که نامزدم را نمی‌شناختم، اما پذیرفته بودم. شش ماه زمان برد تا با هم آشنا شدم، و بعد او خواست از اروپا بیاید و ازدواج کنیم. من هم می‌خواستم یک زنده‌گی نو را آغاز کنم. اما بی‌خبر از این که زنده‌گی نو، فقط از دور نور خوش‌بخت‌کننده‌اش را به رخ کشیده و در پشت آن گودال تاریک درد و رنج پنهان است. یک سال نگذشت که ازدواج کردم. با شوهرم احساس خوش‌بختی می‌کردیم. از همدیگر راضی بودیم. همه چیز خوب پیش می‌رفت. روزی برایم گفت که تصمیم گرفته است با پدر و مادرش برای حج به عربستان برود و از من خواست تا من را هم با خودشان ببرند. ولی من نخواستم بروم. بعد از مدتی از عربستان آمدند و شوهرم خواست دوباره برود به اروپا و کشوری که از آن آمده بود. دلش می‌خواست من هم بروم، ولی نمی‌توانستم؛ چون اول باید مقدمات رفتن را آماده می‌کرد.

مدتی از رفتن شوهرم نگذشته بود که فهمیدم باردار هستم. در وجودم انسانی در حال رشد بود. هرچند آن روزها آغاز روزهای فلاکت‌بار من شروع شده بود؛ ولی من خودم را سرگرم شادی‌ای کرده بودم که تازه در وجودم پدید آمده بود. به شوهرم زنگ زدم و خبر خوش پدر شدنش را برایش دادم. خوش‌حال شد؛ چون می‌خواست خانواده‌ای تشکیل دهیم. خانواده‌ای نه مثل خانواده خودش، بلکه می‌خواستیم

خانواده‌ای داشته باشیم که در آرامش و خوش‌حالی زنده‌گی کنیم. در خانه خسر روزهای سختی را گذراندم. چند تا ایور و ننو داشتم؛ همه‌گی به جان هم می‌افتادند. من از این وضع خسته شده بودم و به شوهرم اصرار می‌کردم تا مرا هم پیش خودش ببرد. مادر شوهرم در میان همه آن‌ها آدم بادرکی بود و او نیز می‌خواست من زودتر بروم پیش شوهرم. ولی شوهرم انگار تغییر کرده بود؛ بازی‌گوشی می‌کرد و فقط مرا معطل نگه می‌داشت. خودش از دور و برادران و خواهرانش در خانه اذیت می‌کردند.

من یگانه طفلم را قبل از این که بتوانم به آغوش بگیرم و صدای نفس‌هایش را بشنوم از دست دادم. من مادری بودم که فرزندش هنوز گوشت و استخوان

نگرفته بود، ولی حس مادری در وجودش زنده شده بود. طفلم در شکم مرد. فرزند بی‌نامم. من در سوگ فرزندم ننشسته که مرا «مادر قاتل» خواندند. کسی در آن میان به فکر غم درونی‌ام که نبود، حتا به سلامتی من هم فکر نکردند. یک سال از مرگ فرزندم گذشت. شوهرم مرا با فامیلش به ایران خواست. مصرف راه را هم نفرستاد و خواهران شوهرم می‌گفتند که باید طلاهایم را بفروشم و شوهرم از آن جا تاکید می‌کرد که باید طلاهایم را بفروشم.

سرمایه‌ای را که از خودم بود، فروختم تا به ایران برسیم. من فقط می‌خواستم زودتر بروم اروپا پیش شوهرم و حداقل از شر این خانواده خلاص شوم. هنگام مصاحبه معلوم شد که اسناد من خیلی معتبر نیست و مشکلات زیادی دارد. دنیا سرم تاریک شد. من همه داروندارم را داده بودم تا بتوانم از این سیاهی فرار کنم. ولی انگار سرنوشت طور دیگری برایم رقم خورده بود. من در خانه خسر ماندم. خسر مرد خسیسی بود و مرا راحت نمی‌گذاشت. این مرد حوصله من را سر برده بود و آرامم نمی‌گذاشت. شوهرم ایران به دیدنم آمد و دوباره رفت و من هم آمدم به افغانستان.

باورم شده بود که این مرد که شوهر می‌خواندمش، مرد زنده‌گی من نیست؛ اما ادامه دادم، صبر کردم، به پاس روزهایی که دوستش داشتم خواستم که هیچ حرفی نزنم و فقط به رابطه‌مان ادامه دهم.

روزی با اجازه شوهرم خانه پدرم مهمانی آمدم و سه روز نگذشته بود که طلاقم را از پشت موبایل داد. من عذر کردم که این کار را نکند؛ اما گفت که نمی‌تواند. در حالی که این من بودم که همه رنج را کشیدم و سختی را تحمل کردم تا رابطه‌مان را زنده نگه دارم. طلاق برایم سنگین تمام شد و خیلی دردآور بود. نه فقط به‌خاطر این که شوهرم بعد از آن همه فداکاری مرا ترک کرده بود، بل به‌خاطر این که طلاق به قیمت آبرویم تمام شد. پدر و برادران شوهرم به من تهمت بستند؛ به‌خاطر این که پولی برایم ندهند این تهمت را بستند که من با پسر بیگانه‌ای رابطه داشته‌ام. حتا خواهران شوهرم که تمام وقت با من می‌بودند، این تهمت را به من زدند. شوهرم بدون لحظه‌ای مکث به حرف خانواده‌اش از من جدا شد.

من دختر نوجوانی بودم که چهار سال به‌نام مردی نشستم که فقط با سه بار تکرار یک کلمه تمام فداکاری‌ها، رنج و مشقت و عشق مرا دور ریخت. مردم هم روزبه‌روز روایتی در مورد من از خود خلق می‌کردند. من شده بودم سر زبان‌ها و باعث سرگرمی مردم. اگرچه اذیت می‌کرد، اما برایم مهم نبود. خودم را تسلی می‌دادم و هنوز هم که با خانواده‌ام هستم و از من مواظبت می‌کنند، سعی می‌کنم خودم را خوب بسازم. اما ضربه‌ای که یک بار مرا به زمین زد، چنان از پا درآوردم که خسته‌گی‌اش هنوز در جانم هست و بیش‌تر از عمرم مرا اذیت می‌کند.

در ضرورت مبارزه برای زنده‌گی

گروه تروریستی طالبان که با یک فراروایت سیاه نیرو جمع کرد، سال‌ها زیر همان چتر جنگید و سرانجام قدرت را به‌دست گرفت، سبب شده است که عده‌ای فکر کنند، مبارزان ضد طالبان نیز در چنین چارچوب‌ها بمانند و بجنگند. به این معنا که یک ایدئولوژی در مقابل ایدئولوژی بجنگد و یا فراروایت بزرگتری را بسازند تا به مقابله با فراروایت سیاه طالب برود.

عایشه خراسانی

ضرورت مبارزه در افغانستان طوری است که هر لحظه تاخیر در آن برابر با مرگ، زندانی شدن، شکنجه شدن، هویت‌کشی، قطع درختان، از بین رفتن جنگلات و در کل نابودی جامعه انسانی و طبیعی است. در این میان اما، انسان ماندن و انسانی زیستن به‌راستی «دشوار» است. و مرگ آن‌هایی که مبارزه دارند، رستاخیز انسان‌هایی است که آماده‌اند افق نو به جامعه بخشیده و راه انسانی زیستن را بگشایند.

انسانی که در خط مقدم جبهه مبارزه می‌کند، انسانی نیست که برای یک ایدئولوژی بزرگ بجنگد و خودش را در راه آن قربانی کند؛ بلکه نبرد او، نبرد واقعی انسان است و زیبایی و حقانیتش نیز در این است که از زنده‌گی دفاع می‌کند؛ زنده‌گی‌ای که انکار شده و تقدیس مرگ جای آن را گرفته است.

زیبایی‌اش در مواجهه با حیوانی‌زیستن و نبرد بر سر برده نشدن و تکریم آزادی به‌مثابه والاترین ارزش بشری است. آن‌ها برای تقدیس مرگ نمی‌جنگند، طوری که طالبان و گروه‌های تروریستی مثل این‌ها کردند/می‌کنند. مبارزه در برابر طالبان واضح است که مبارزه و نبردی است برای زنده‌گی. این که طالبان

قبول دارم جا بگیری.» اما آنچه مشهود است و کمر این چارچوب‌سازها را شکسته است، این نکته آشکار و قوی است که نبرد مقاومت‌گران به‌معنای بزرگش در برابر طالبان برای زنده‌گی است. شاید گفته شود، اگر برای زنده‌گی بود، جای دیگری می‌رفتند و راحت نفس می‌کشیدند، اما حرف اساسی این است که مبارزه این‌ها برای زنده‌گی به‌معنای مبارزه برای بقای محض و بقای برهنه - خوردن، خوابیدن و نفس کشیدن - نیست، بلکه برای انسانی‌زیستن است.

بقای محض، زنده‌گی برده‌وار و زیر یوغ تجاوز و استبداد است. اما زنده‌گی انسانی همان عنصر، نیرو و مرکزی است که ارزش‌های انسانی را در حاشیه خود دارد. به این معنا که نیرویی است آزادی‌بخش، آزادی‌ای که خود به زنده‌گی پیوند خورده است. زنده‌گی در این جا، تمام امکان‌های انسانی زیستن را در خود حمل می‌کند. به این دلیل است که مبارزه آن‌هایی که مقابل طالبان ایستاده‌اند، جنگ برای حفظ زنده‌گی است؛ برای آزادی و حقوق اولیه انسانی. خیابان‌های ترسناک کابل یا هندوکش را خواست چند مبارز به میدان نبرد تبدیل نکرده است. این بربریت، وحشی‌خویی و انسان‌ستیزی رژیم حاکم است که هندوکش را مکانی برای مقاومت در برابر جهل ساخته است. این که مردم برای حفظ جان‌شان با سلاح می‌جنگند، خواست خودشان نیست که گفته باشند «فقط جنگ و یا مرگ و اضافه از این چیزی نمی‌خواهیم»، بلکه وضعیت غیرانسانی تحمیل شده سببش شده است. آن‌ها که امروز در افغانستان زنده‌گی می‌کنند چه چیزی برای از دست‌دادن دارند؟

ادامه در صفحه ۷

اما بسیاری اوقات بازگشت به چنین چیزی ضروری است.» خلاصه این که تمام‌شان در پی این هستند که مبارزه و نبرد جاری را درون یک فراروایت یا ایدئولوژی و حزب از قبل وجود داشته، تعریف کنند و از آن دریچه به آن رسمیت ببخشند.

گروه تروریستی طالبان که با یک فراروایت سیاه نیرو جمع کرد، سال‌ها زیر همان چتر جنگید و سرانجام قدرت را به‌دست گرفت، سبب شده است که عده‌ای فکر کنند، مبارزان ضد طالبان نیز در چنین چارچوب‌ها بمانند و بجنگند. به این معنا که یک ایدئولوژی در مقابل ایدئولوژی بجنگد و یا فراروایت بزرگتری را بسازند تا به مقابله با فراروایت سیاه طالب برود، یا آن‌گونه که گفته می‌شود، با «روایت اسلام میانه» به میدان نبرد برود. پرداختن به این پرسش که چرا این عده نمی‌توانند خود را از چارچوب فراروایت‌ها رها کنند و از چوکات آن بیرون شوند، پاسخ فراوان و ابعاد گسترده دارد که از حوصله این نوشتار خارج است. اما آنچه در مقابل مبارزان قرار داده می‌شود یا جنگ این‌ها را به‌گونه‌ای به نفع چارچوبی که خود می‌خواهند، تعبیر می‌کنند، طوری است که گویا برای آن‌هایی که در صف مقدم نبرد هستند، بگویند «جنگ تو مشروعیت دارد، به‌شرط آن که در چوکاتی که من

در ضرورت...

گروه طالبان میلیون‌ها آدم را به چشم گروگان و «مازاد» می‌بیند؛ مازادی که تبدیل به برده و کارگر نمی‌شود، و برده ساختن آن نیز طالب را راضی نمی‌کند؛ بلکه باید از بین برده شوند، نه تنها جسم و جان شان بلکه تمام آنچه به آن باور دارند و با زنده‌گی شان گره خورده است، مثل باور به آزادی، در مقابله با رژیم و ایدئولوژی‌ای که مرگ را در راه خودش والاترین هدف می‌داند و با انتحار مرگ را تقدیس می‌کند، بازگشت به زنده‌گی و آزادی افق روشن و راهی است که گروه وحشت و ترور از آن نمی‌رود.

مبارزه‌ای که علیه طالبان جریان دارد، مبارزه میان مرگ‌دوستی و زنده‌گی خواهی است. رخداد فراطبیعی نیست، بلکه دفاع ناگزیر انسان‌هایی است که مجبور شده‌اند خود را وقف دفاع از زنده‌گی کنند؛ زنده‌گی‌ای که به تنهایی و بدون این که با متن و چارچوب خاصی گره بخورد، با ارزش است. آن گونه که بختیار علی می‌گوید، صحبت از زنده‌گی، صحبت از انسانی است که خود را تنها رهایی‌بخش می‌داند؛ انسانی که خود را به‌عنوان سوژه کشف کرده است. در وضعیتی که مرگ از هر سو با اشکال متفاوت در برابر زنده‌گی قد علم کرده است، آزاد کردن نیروی زنده‌گی، چنگ زدن به آن و درک نیروی انقلابی درون آن، فارغ از انتظار کشیدن به فریادرس دیگر، سبب ایستاده‌گی مردمی شده است که خون‌شان را به کف گرفته و نبرد خود را برای انسانی زیستن انجام می‌دهند و این نیروی اراده به زنده‌گی است که سبب دوام آوردن آن‌ها شده است. هیچ مبارزی از دیگری نمی‌پرسد که در کدام حزب هستی؟ مرید کدام رهبر هستی؟ یا چه قدر مذهبی هستی؟ بلکه می‌پرسد که چه قدر نیروی زنده‌گی در تو مانده است و چه قدر اراده مقاومت داری؟ پرسش از ایدئولوژی کار طالبان است. اگر ایدئولوژی، حزب‌گرایی و تفتیش عقاید در میان این‌ها شرط مبارز بودن باشد، بخش بزرگ اهمیت مبارزه از بین خواهد رفت و برعکس آنچه که شاهد آن بودیم، هزاران انسان به‌خاطر کشته شدن بصیر اندرایی، اکمل امیری و همراهان‌شان به سوگ نمی‌نشستند.

برای همین است که می‌بایستی از مبارزه، از گسترش انسانی زیستن و از اعتراض در برابر ظلمت دفاع کرد. این‌ها معناهای زنده‌گی در جهان امروز است؛ زنده‌گی به‌معنای فلسفی و اجتماعی آن که انسان به آن وابسته است و از جان و دل آن را درک می‌کند. انسانیت ما تنها به خوردن، خوابیدن و مردن خلاصه نمی‌شود. انسانیت، مبارزه برای زنده‌گی، تلاش برای زیبا زیستن و فداکاری برای ارزش‌های انسانی است. این جنگ یک مردم، یک منطقه و حتی یک کشور نیست. ما باید برای زنده‌گی خودمان و بچه‌هایمان مبارزه کنیم و زنده‌گی را با چنگ و دندان بگیریم.

طالبان در دوراهی...

گروه طالبان در ۹ نوامبر ۲۰۲۱ مدت یک ماه میان دولت پاکستان و تی‌تی‌پی آتش‌بس برقرار کرد. نقش سراج‌الدین حقانی، سرپرست وزارت داخله طالبان، در این خصوص پررنگ بود که این امر، نشان از نفوذ طالبان بر تی‌تی‌پی دارد. ولی دیری نگذشت که تی‌تی‌پی طرح آتش‌بس را شکست و به حملاتش علیه منافع پاکستان آغاز کرد. میانجی‌گری طالبان برای آتش‌بس را می‌توان نوعی تن دادن به اعمال فشار از سوی پاکستان خواند، ضمن آن که به اصطلاح حسن نیت این گروه را برای برقراری صلح در پاکستان نشان می‌دهد. گام دومی که طالبان برای کسب رضایت پاکستان برداشت، انتقال اعضای تی‌تی‌پی به مناطق شمال و غرب افغانستان بود. سخنگوی طالبان صحت این اقدام را تایید کرد و گفت: «تصمیم در این زمینه براساس منافع مشترک افغانستان و پاکستان گرفته شده است.» اقدامی که به‌تازگی از سوی طالبان برای خشنودی پاکستان صورت گرفته، صدور فرمان منع جهاد علیه منافع این کشور از سوی ملا هب‌الله آخوندزاده، رهبر طالبان، است. صحت این خبر را گفته‌های مولوی محمد یعقوب، سرپرست وزارت دفاع طالبان، تایید می‌کند: «اگر کسی به خارج از افغانستان با نیت جهاد می‌رود، جنگ او جهاد نامیده نمی‌شود.» گفته می‌شود که آصف درانی در سفر به کابل بر مقام‌های طالبان فشار وارد کرده است تا فرمان منع جهاد در خاک پاکستان را صادر کنند؛ چون اعضای تی‌تی‌پی به رهبر طالبان بیعت کرده‌اند و از فرمان وی تبعیت می‌کنند. پاکستان می‌خواهد که این فرمان علنی شود، اما مقام‌های طالبان از ترس افکار عمومی نمی‌توانند آن را علنی کنند.

نکات فوق نشان می‌دهد که طالبان به‌جای تی‌تی‌پی، پاکستان را انتخاب می‌کنند. حالا، تنها گزینه باقی‌مانده از سوی طالبان علیه تی‌تی‌پی جنگ مسلحانه است که به نظر نمی‌رسد این گروه به‌ساده‌گی آن را عملی سازد. طالبان به‌شکل پراکنده با جبهه مقاومت ملی و جبهه آزادی درگیر است. همچنان مزاحمت‌هایی از سوی داعش وجود دارد. گشودن جبهه جدید علیه تی‌تی‌پی حتا با حمایت پاکستان برای طالبان فعلا میسر نیست. در صورتی که طالبان چنین کنند، ممکن است اعضای تی‌تی‌پی به داعش نزدیک شوند که این به زبان طالبان است. تلاش طالبان معطوف به این است که خطر تی‌تی‌پی خاموشانه و از راه غیرمسلحانه شبیه آتش‌بس، انتقال به سایر مناطق و صدور فرمان منع جهاد مرفوع شود نه لزوماً با جنگ مسلحانه.

۲- پاکستان علیه طالبان ابزار فشار در اختیار دارد.



چه ابزار فشاری بهتر از این که پاکستان خالق طالبان است. بدیهی است که خالق بر مخلوق تسلط و کنترل دارد. به نظر نمی‌رسد شاهد لحظه‌ای باشیم که گروه طالبان علیه پاکستان گردن‌کشی کند. تا این دم، طالبان به مطالبات هیچ کشوری به‌پیمانه پاکستان پاسخ مثبت نداده‌اند. جهاد که برای طالبان خط سرخ است، برای کسب رضایت این کشور حکم بر منع آن صادر می‌شود. موثریت صدور این حکم کم‌تر از موثریت سرکوب تی‌تی‌پی به‌واسطه توپ و تانک نیست؛ چون تهدید تی‌تی‌پی را شاید بتوان با توپ و تانک در کوتاه‌مدت نابود کرد، ولی با صدور فرمان شرعی از جنگ این گروه علیه پاکستان برای ابد خلع مشروعیت می‌شود. این بزرگ‌ترین خدمتی است که طالبان به این کشور انجام می‌دهند.

طالبان چنان به پاکستان وابسته‌گی دارند که هنوز خانه‌های رهبران‌شان در این کشور است. این ادعا را حسن عباس، نویسنده کتاب «بازگشت طالبان» در گفت‌وگو با رسانه‌ها مطرح کرد. همچنان به‌تازگی منصور احمد خان، سفیر پیشین پاکستان در افغانستان، در گفت‌وگو با رسانه‌ها بیان داشت که طالبان به‌رغم آن که افغانستان را در کنترل دارند، هنوز خانه‌های مقام‌های عالی‌رتبه این گروه در پاکستان است. او اظهار داشت که به‌تازگی دریافته است که ملا یعقوب، سرپرست وزارت دفاع طالبان، نیز خانه‌اش در پاکستان است.

همچنان، نقش پاکستان برای ترسیم تصویر مثبت از طالبان در آیین دنیا را نمی‌توان نادیده گرفت. این تلاش‌ها، طالبان را بیش‌تر مطیع اسلام‌آباد می‌سازد. مقام‌های اسلام‌آباد به‌رغم حمله‌های لفظی علیه طالبان، در جامعه بین‌الملل به‌مثابه مدافع و سخنگوی این گروه عمل می‌کنند. پاکستان، ستونی در جنوب آسیاست که سقف سیاست قدرت‌های غربی به‌روی آن استوار است. امریکا و بریتانیا به‌مثابه دو قدرت بزرگ غربی، پاکستان را متحد کلیدی‌شان می‌دانند. قهر پاکستان نسبت به طالبان، قهر امریکا و بریتانیا را به‌دنبال خواهد داشت. پاکستان برای سرکوب تی‌تی‌پی جدی به نظر می‌رسد و این جدیت طالبان را وادار می‌کند تا به خواست این کشور لبیک گویند. تی‌تی‌پی با گذشت هر روز فربه‌تر می‌شود و فربه‌ی آن به نگرانی اسلام‌آباد می‌افزاید تا مبادا به نیروی غیرقابل مهار تبدیل شود. مهم‌ترین

نگرانی اسلام‌آباد این است که تی‌تی‌پی به‌مثابه نیروی نیابتی به‌دست کشور دیگری چون هند تبدیل شود. یا ممکن است با گذشت زمان، طالبان از تی‌تی‌پی به‌حیث اهرم فشار علیه پاکستان استفاده کنند. لذا، تلاش مقام‌های اسلام‌آباد این است تا هرچه زودتر به‌قول بلاول بوتو زرداری، وزیر خارجه پاکستان، این «فتنه» را به‌واسطه «حقیقت» یا با مداخله نظامی در افغانستان نابود یا تضعیف کنند.

۳- ایالات متحده امریکا با پاکستان هم‌نواست. اقدامات پاکستان در خصوص مبارزه علیه تی‌تی‌پی از سوی مقام‌های امریکا همواره مورد استقبال قرار گرفته است. تی‌تی‌پی در کنار القاعده در لیست گروه‌های تروریستی زیر نظر ایالات متحده قرار دارد. همچنان گفته می‌شود که تی‌تی‌پی با القاعده رابطه گرم دارد. برای نمونه، ند پرایس، سخنگوی پیشین وزارت خارجه ایالات متحده امریکا، در ۳ جنوری سال جاری در حمایت از پاکستان گفت: «پاکستان حق دارد از خود در مقابل حملات تروریستی دفاع کند.» این در تایید گفته‌های مقام‌های اسلام‌آباد است که طالبان را به پناه‌دادن به تی‌تی‌پی در خاک افغانستان متهم می‌کنند. به‌تازگی پس از حملات خونبار در پاکستان، متیو میلر، سخنگوی فعلی وزارت خارجه امریکا، در ۹ اگست بیان داشت که امریکا به حمایت از عملیات ضد تروریسم پاکستان ادامه می‌دهد. وی گفت: «ایالات متحده عمیقاً به روابط خود با پاکستان از جمله در امر مقابله با تروریسم، ارزش قایل است.»

موارد فوق، حکایت از همراهی جدی امریکا با پاکستان در مقابله با آنچه از سوی این دو کشور تروریسم خوانده می‌شود، می‌کند. طالبان نمی‌تواند تاثیر همراهی امریکا با پاکستان را نادیده بگیرند. وقتی قدرت بزرگی چون امریکا از حمله نظامی پاکستان بر خاک افغانستان علیه تی‌تی‌پی حمایت می‌کند، برای طالبان چاره‌ای نمی‌ماند جز این که به خواست پاکستان تن دهند. پاکستان اگر اراده کند، می‌تواند به‌ساده‌گی رویکرد امریکا نسبت به طالبان را تغییر دهد و این را طالبان خوب می‌دانند. این که پاکستان حامی تروریسم خود را به‌مثابه قدرت ضد تروریسم در چشم دنیا جا زده است، بحث جداست و به هنر و ظرافت کارگزاران این کشور برمی‌گردد.

سفیر جاپان در افغانستان در مورد حقوق زنان با طالبان گفت‌وگو کرد



۸ صبح، کابل: اوکادا تاکاشی، سفیر جاپان در کابل، می‌گوید که در دیدارش با شماری از مقام‌های طالبان نگرانی خود در مورد حقوق زنان در افغانستان را در میان مطرح کرده است.

ان‌چاک آنلاین روز یک‌شنبه، ۲۲ اسد، به نقل از اوکادا تاکاشی گزارش داده است که دو سال پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، بیشتر افغانان در تلاش زنده ماندن هستند.

وی افزوده است که طالبان زنان و دختران افغان را از حقوق آموزش، تحصیل و کار محروم کرده‌اند.

تاکاشی همچنان به این رسانه گفته که وی بارها به رهبران طالبان گوش‌زد کرده که حمایت زنان برای

ایجاد ثبات در کشور ضروری است.

این دیپلمات جاپانی تصریح کرده است که مردم افغانستان زیر سلطه طالبان، با کمبود جدی مواد غذایی روبه‌رو هستند و اقتصاد آن‌ها نهایت کاهش یافته است.

سفیر جاپان در کابل ابراز امیدواری کرده که طالبان سیاست‌های سخت‌گیرانه‌شان در برابر زنان را تغییر دهند.

این مقام جاپانی همچنان بر ادامه کمک‌های کشورش با مردم افغانستان تاکید کرده است.

این در حالی است که پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، این گروه زنان و دختران را از حقوق آموزش، تحصیل و کار محروم کردند.

خبرنگار ارشد:

امین کاوه

ویراستاران:

محمدعلی نظری، مقیم مهران

صفحه آرایی:

رضا مرادی

پذیرش مقالات:

Info@8am.media

پذیرش اعلان:

Shaparsepehr@gmail.com • ۷۸۸۷۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰

نشانی پستی:

صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان

۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده دیدگاه ۸ صبح است.

سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

۸ صبح

روایت دیروز، آئینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز:

سنجر سهیل Sanjar.sohail@8am.media

مدیرمسئول:

محمد محق Mohammad.moheq@8am.media

سردبیر:

حسیب بهش Hasib.baresh@8am.media

تحلیل‌گران:

یونس نگاه، علی سجاد مولایی

دبیر گزارش‌ها:

فهم امین

دبیر تولید:

محمد نوید جويا

Publisher:

Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief:

Mohammad Moheq

Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media

Youtube.com/Hashtesubhdaily

Twitter.com/@Hashtesubhdaily

instagram.com/8am.media_official

www.8am.media

بربنیاد گزارش‌ها، زیارت‌گاه شاه‌چراغ در شیراز ایران مورد حمله یک فرد مسلح قرار گرفته است. خبرگزاری فارس روز یکشنبه، ۱۳ آگست، گزارش داده است که این فرد از دروازه «باب‌المهدی» این زیارت‌گاه قصد ورود به حرم را داشته است که با مقاومت و مواجهه «نیروهای حفاظت» مواجه می‌شود. براساس این گزارش، تا کنون دست کم چهار تن کشته شده‌اند. گفته شده است که چندین تن نیز در این حمله مجروح شده‌اند. بربنیاد گزارش، یک فرد مسلح بازداشت شده و مظنون دیگر فراری شده است. این در حالی است که پیش از این نیز حمله به حرم شاه‌چراغ در ولایت شیراز ایران را گروه داعش به عهده گرفته بود.

چین به شهروندان خود در پاکستان هشدار حمله مسلحانه داد

با این حال، چین از مقام‌های پاکستانی خواست تا تحقیقات کامل در مورد این حمله را انجام دهند و عاملان این حمله را مجازات کنند. این درحالی است که کاروانی از انجمنیان چینی روز یکشنبه، ۱۳ آگست، در بندر گوادر در بلوچستان پاکستان مورد حمله قرار گرفت. این حمله زمانی رخ داد که کاروان حامل ۲۳ انجمنیان چینی در حال عبور از ایستگاه پولیس بود و یک انفجار بمب دست ساز رخ داد.



ارتش آزادی‌بخش بلوچستان پاکستان مسوولیت این حمله را برعهده گرفته است. مقام‌های پاکستانی گفته‌اند که در این رویداد دو مهاجم کشته شده‌اند. بلوچستان کم نفوس ترین ایالت پاکستان است، اما این ایالت سرشار از منابع طبیعی و منرال‌ها است. بلوچ‌ها از دیر زمان شکایت دارند که از عواید بلوچستان سهم منصفانه به آنان داده نمی‌شود و این نارضایتی سبب قیام و شورشگری بیش از ده گروه جدایی طلب بلوچ بر ضد حکومت پاکستان شده است.

سفرات چین در پاکستان در بیانیه‌ای اعلام کرد که حوادث مشابهی دوباره تکرار خواهد شد. این سفارت به شهروندان خود در پاکستان اعلام کرد که هوشیار بوده و اقدامات پیش گیرانه در برابر خطرات امنیتی را انجام دهند و از امنیت جان و مال خود اطمینان حاصل کنند. بربنیاد اعلامیه، در این حمله هیچ آسیبی به انجمنیان چینی نرسیده است.



برج ایفل به دلیل هشدار بمب به گونه موقت تخلیه شد

بربنیاد گزارش‌ها، برج ایفل در شهر پاریس، پایتخت فرانسه برای چند ساعت به دلیل هشدار بمب به گونه موقت تخلیه شده است. بلومبرگ روز یکشنبه، ۱۳ آگست، گزارش داده است که این رویداد روز گذشته رخ داده و پس از این هشدار، همه گردشگران و بازدیدکنندگان مجبور شدند که از این جاذبه توریستی دور بروند. طبق گزارش، اطراف این برج نیز توسط نیروهای امنیتی در پاریس محاصره شده بود. در گزارش آمده است که متخصصان خنثا سازی بمب یک رستوران را در یکی از سکوهاای برج ایفل مورد بازرسی و ارزیابی قرار دادند و پس از حدود سه ساعت، این هشدار برداشته شد و برج ایفل دوباره به روی بازدیدکنندگان گشایش یافت. مقام‌های امنیتی فرانسه در این مورد جزئیات ارایه نکرده‌اند.

گفتنی است که برج ایفل از جمله پربیننده‌ترین جاذبه‌های توریستی در جهان است که بیش از ۵.۸ میلیون تن در سال گذشته از این نماد فرانسه بازدید کرده بودند.

تلفات آتش سوزی در جزیره هاوایی امریکا به ۹۳ تن رسید



بربنیاد گزارش‌ها، تلفات آتش سوزی‌های جنگلی در جزیره هاوایی امریکا به ۹۳ تن رسید و این رویداد به مرگبارترین آتش سوزی در ۱۰۰ سال اخیر در تاریخ آن کشور تبدیل شد. الجزیره روز یکشنبه، ۱۲ آگست، گزارش داده است که شهرک تفریحی لاهاینا بیش از ۱۲ هزار تن را در خود جا داده است، اما در اثر آتش سوزی هولناک به ویرانه مبدل شد. مقام‌ها گفته‌اند که با ادامه جست‌وجوی تیم‌های امداد رسان در میان ویرانه‌های شهر لاهاینا، ممکن است تعداد کشته‌ها بیشتر شود. به گفته آنان، در اثر این آتش سوزی دو هزار و ۲۰۰ ساختمان آسیب دیده یا تخریب شده‌اند که ۸۶ درصد آن ساختمان‌های مسکونی هستند. این در حالی است که چهار روز پیش این آتش سوزی طبیعی رخ داد. اکنون و با گذشت چهار روز خسارات برجا مانده در این جزیره بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است.

جنگ جویان بوکوحرام ۱۳ تن را در نایجریا کشتند

داعش اعلام کرده است. بوکوحرام در هفته‌های اخیر حملات خود را تشدید کرده و غیرنظامیان را مجبور به ترک منازل شان به ویژه در مناطق روستایی کرده است. بربنیاد آمار سازمان ملل، در نتیجه فعالیت‌های یک دهه اخیر بوکوحرام در نایجریا، بیش از ۳۰ هزار تن کشته و نزدیک به سه میلیون تن بی‌خانمان شده‌اند.



مقام‌های نظامی نایجریا اعلام کردند که دست کم ۱۳ تن به شمول سه نظامی این کشور در دو حمله مسلحانه گروه بوکوحرام در این کشور کشته شده‌اند. بربنیاد گزارش خبرگزاری فرانسه، این حملات روز شنبه، ۱۲ آگست، در شمال شرقی نایجریا رخ داده است. ابراهیم لیمان، یکی از مقام‌های نظامی نایجریا گفته که این حمله به پایگاه نظامی در «وولاری» نزدیک شهر کوندوگا در ایالت بورنو انجام شده است. او تصریح کرده است: «تروریست‌های بوکوحرام از پوشش تاریکی و مزارع ذرت که در حال برداشت هستند، برای حمله به این پایگاه استفاده کردند.» شبه نظامیان بوکوحرام همچنان ۱۰ کشاورز را در حالی که در مزرعه خود کار می‌کردند، به ضرب گلوله به قتل رسانده‌اند. بوکوحرام در سال ۲۰۰۹ یک شورش و جنگ خونین را در شمال شرقی نایجریا به راه انداخت و به تدریج دامنه حملات خود را به کشورهای همسایه آن کشور گسترش داد. این گروه همچنان در سال ۲۰۱۵ ارتباط و بیعت خود را با

ارتش اردن: یک پهپاد حامل مواد مخدر سوریه را سرنگون کردیم

واقعی برای سرکوب تجارت غیرقانونی ندیده است. مقامات غربی مبارزه با مواد مخدر و واشنگتن می‌گویند که سوریه جنگ زده به مرکزی برای تجارت چند میلیارد دلاری مواد مخدر تبدیل شده است و اردن مسیر اصلی ترانزیتی به کشورهای نفت خیز خلیج فارس برای آمفتامین ساخت سوریه معروف به کاپتاگون است. تا کنون مقام‌های سوری در مورد این ادعا چیز نگفته‌اند. گفتنی است که بشار اسد، رئیس جمهور سوریه هفته گذشته در مصاحبه‌ای نقش سوریه در تجارت مواد مخدر را رد کرد و گفت که پایان دادن به قاچاق مواد مخدر منافع مشترکی است که سوریه با کشورهای عربی دارد.

اردن اعلام کرد که یک پهپاد حامل مواد مخدر نوع کریستال که از سوریه وارد خاک این کشور می‌شد، از سوی ارتش اردن سرنگون شده است. بربنیاد گزارش خبرگزاری دولتی اردن، این پهپاد روز یکشنبه، ۱۳ آگست، سرنگون شده است. ارتش اردن پیش از این پهپادهای حامل مواد مخدر یا سلاح از سوریه را سرنگون کرده بود، اما به ندرت مواد مخدر کشف شده را شناسایی کرده است. مقامات نظامی و امنیتی اردن و سوریه برای بحث در مورد راه‌های مهار مشکل فزاینده قاچاق گرد هم آمده‌اند. با وجود تعهدات دمشق، اردن می‌گوید که هیچ تلاش

پاکستان حضور ۱۱ تن از منتقدان ارتش این کشور را در رسانه‌ها ممنوع کرد



نهاد ناظر بر رسانه‌های الکترونیکی پاکستان حضور ۱۱ تن به شمول خبرنگاران منتقد ارتش و دولت پیشین این کشور در رسانه‌ها را ممنوع اعلام کرد. بربنیاد گزارش روزنامه دان، نهاد ناظر بر رسانه‌های الکترونیکی پاکستان (PEMRA) روز شنبه، ۱۲ آگست، با استناد به تصمیم دادگاه عالی آن کشور سند مبنی بر این که چنین افرادی نمی‌توانند از حقوق خاصی مانند حضور در تلویزیون برخوردار شوند، دستورالعملی صادر کرد. افراد تحریم شده شامل صابر شاکر، موید پیرزاده، وجهت سعید خان، شاهین صهبایی، عادل فاروق راجا، علی نواز اعوان، مراد سعید و حماد ازهر می‌شوند. نهاد ناظر بر رسانه‌های الکترونیکی پاکستان ضمن هشدار به کانال‌های خبری مبنی بر مجازات‌های جدی در صورت تخلف از این تصمیم، موضوع را به شورای شکایات ارجاع داده است. شاکر، پیرزاده، سعید خان و صهبایی روزنامه نگاران حامی عمران خان، نخست‌وزیر پیشین پاکستان محسوب می‌شوند. عادل فاروق راجا، یک عضو پیشین ارتش پاکستان است که در بریتانیا زنده‌گی می‌کند و به دلیل برخورد با خان به شدت از ارتش آن کشور انتقاد کرده بود. پیش از این نیز، اداره تنظیم مقررات رسانه‌های الکترونیک پاکستان به تلویزیون‌های این کشور دستور داده بود تا سخنرانی‌های زنده عمران خان، نخست‌وزیر پیشین پاکستان را نشر نکنند.